

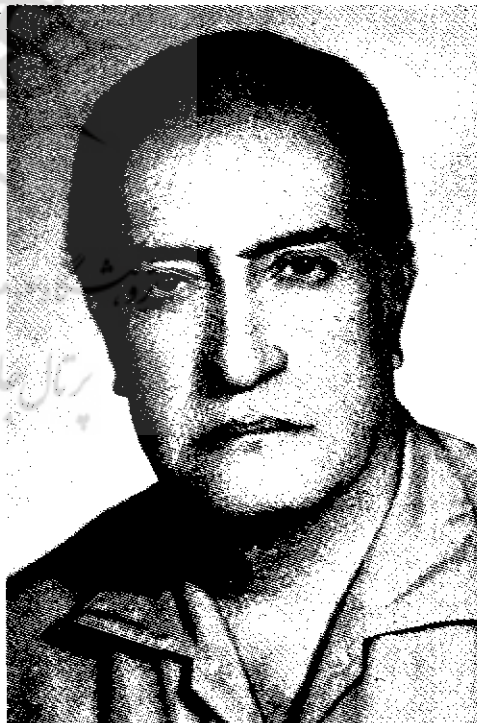
به یاد استاد حسین الطافی

نگارگر مینیا تور و گل و مرغ

سید محمود افتخاری

در بی‌کران دشت سرسبز هنر ایران، بکارگیری نقش و نگاره‌های ملهم از طبیعت (گل و گیاه، پرنده، جانوران)، در آفرینش‌های هنری قدمتی به درازای تاریخ هنر ما دارد. نه تنها بر پیکر نخستین سفالینه‌های دست‌ساز و منقوش اقوام ایرانی، و یا بر تن سرخ‌فام و سفیدگونه ظروف مسین و نقره‌ای، بلکه بر سینه سنگ و چوب و بر تار و پود فرش و دستبافهای این دیار و هر آنچه جایی برای آفرینش نقشی داشته، حضور گل و سمبل‌های گیاهی اشارتی است به راز دل‌سپردگی هنرمندان دیار ما به جلوه‌های ناب هستی.

گل تجلی عرفان ایرانی و توصیفی است تمثیل‌وار از خالق زیبایی، گل و مرغ همواره الهام‌بخش ذهن پاک هنرمند در ترسیم عمق دل‌بستگی او به لطیف‌ترین احساسات زیباشناسانه بوده است. با این توصیف نقوش گیاهی از نخستین طرحهایی هستند که انسان دوستدار زیبایی، از هزاران سال قبل برای بیان تفکر و اندیشه



خویش به ترسیم آنها گرایش نشان داده. گستره وسیع کاربرد این گونه نقش و نگاره‌ها در تمامی هنرهای تجسمی ایران اسلامی، در سراسر تاریخ هنر این سرزمین طی دوره‌های مختلف تاریخی، حکایتی است شگفت‌آور و به یاد ماندنی. طرح‌های گیاهی به یاری سرپنجه‌های توانمند و ذوق خلّاق هنرمندان به شکلهای نمادین و استیلیزه شده بسیار زیبا تغییر فرم یافته و انتزاعی‌ترین نقش‌های گیاهی در عرصه هنری ناب و رازگونه و پر از ظرافت طرح و رنگ به نام «تذهیب» متجلی می‌شدند. تذهیب همان هنر کهن و اصیل ایرانی-اسلامی، که دامنه وسعت آن در ابعاد بسیار گسترده پیشرفت نمود. در کتاب‌آرایی و نقش‌پردازی کتاب - در نقش قالی و کاشی و سفال - در طرح‌های منبت و قلمزنی، در نقش یافته‌ها و... هر آنچه بود و هست، نقش گل و بته است، که باغهای بی‌خزان را در هنر ایران پدید آورده. در اواخر عصر صفوی هنگامی که آرام‌آرام لکه‌های تیره ابر در افق روشن و صاف آسمان هنر ایران پدیدار گردید، هنرمندان ایرانی شیوه‌ای سرشار از معرفت و عشق به مبانی هنر و زیبایی و عرفان و ادب هنری را در میدان رزم و رویارویی با فرهنگ مهاجم برگزیده و با گشودن دریاچه‌های تازه و وسیع‌تری به باغهای پُر گل و سنبل و مرغان خوش‌نقش و رنگ، چشم‌انداز دل‌انگیز و پر رمز و راز دیگری را در تاریخ هنر گشودند. شاید هم به قصد پاسخی عارفانه و انسانی و لطیف در برابر هجومی سلطه‌جویانه. این‌گونه بود که هنر گل و مرغ سازی بعنوان «مکتبی مستقل» در عصر زنده حضور جاودانه یافت و استادان دل‌عاشق آثار بسیار ارزنده و شگفت‌انگیزی در این عرصه پدید آوردند. آنان بوستان هنر ایران را به بهار ازلی و همیشه ماندگار گل و پرند آذین کردند. تنوع و سیطره گل و بته‌ها و پرندگان با نقش‌بندی و رنگ‌بندی ظریف و پرواز بسیار لطیف و ریز و دقیق دوران زنده را با «مکتب گل»

در تاریخ هنر ایران شهرت و اعتبار خاص بخشید. آثار گل و مرغ دوران زنده حاکی از مهارت و چیره‌دستی و ذوق‌آزمایی هنرمندان این رشته در آن عصر محسوب می‌شود. جای آن دارد که این حرکت چشمگیر و پرمعنای هنرمندان بیشتر مورد ارزیابی هنرشناسان قرار گیرد.

در زمان قاجاریه نیز همواره گل و پرند به عنوان نقش جذّاب و دل‌انگیز در ساخت و ساز مناظر و فضاهای نقاشی جایگاه و اعتبار زیباشناسانه خود را حفظ نمود و استادان هنرهای مختلف، سرانگشتان کارآمد و ورزیده خود را در نوآوری و تنوع طرح‌ها بکار گرفتند. این بار در آسمان خیال هنرمندان پرند‌های پرنقش و نگار، بر فراز شاخه‌های تاک و خوشه‌های انگور به پرواز درآمدند.

در هنر نگارگری معاصر نیز، ذوق و شوق هنرآفرینان عاشق، مناظر بدیع و پرده‌های رنگارنگ و دلنشین از نقش گل و پرند بر بوم‌های نقاشی پدید آورد. نقاشگران چیره‌دست این ایام بار دیگر طبیعت ناب و جلوه‌های زیبای هستی را در رنگهای شاداب و پرتراوت بر رخسار نازک و لطیف گلبرگها نشاناند. بر تن حریرگونه گل و پرند‌ها، بی‌تردید «نقش گل و پرند» نشان از صداقت و صفای باطن هنرمندان داشت و دارد.

«استاد حسین الطافی»

زنده‌یاد حسین الطافی از تبار آن استادان عارف دل و عاشق هنری است که چون چیده‌ای شیدا از شاخساری به شاخسار دیگر به پرواز درآمد تا از نسیم رنگ، نقشی به لطافت شبم بر رخسار گل بنشانند.

استاد حسین الطافی در سال ۱۲۸۵ شمسی در تهران بدنیا آمد. از همان کودکی حس غریبی از زیبایی‌شناسی روح و اندیشه او را به جولان در میدان



السیب



پدر که نقاشی را مخالف احکام شرع می‌پنداشت، الطافی آن چنان دل در گرو نقش هستی بسته بود که استاد بزرگ کمال‌الملک را واسطه قرار داد که بزرگواری نموده، پدر را بر سر معرفت و آشتی هنر آورد. سرانجام حسین الطافی پس از پایان تحصیلات متوسطه به

هنرآموزی ترغیب و تحریک می‌کرد. طبیعت و زیبایی‌های آن، نخستین آموزگار او در درس عاشقی به نگارگری بودند. چنانکه الطافی را شیفته نقش‌پردازی و نقش‌آفرینی ساختند. و استاد اسیر نقش و رنگ، پای معرفت به وادی بیکران هنر نهاد. علیرغم ممانعت‌های

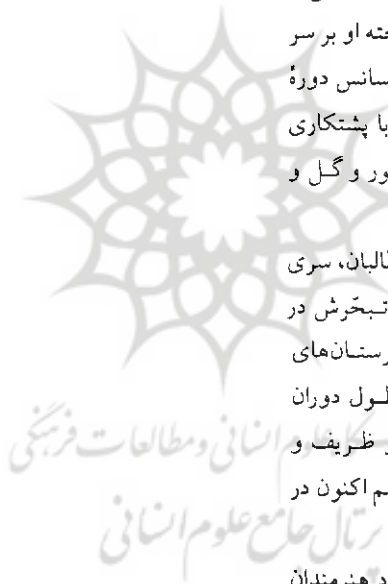
مکتب استاد حسین بهزاد نقاش نام‌آور شتافت و به تعلیم نقاشی نشست. پس از چند ماهی الطافی با بینشی عمیق‌تر سر از مدرسه صنایع قدیمه در آورد و راه به هنرستان عالی هنرهای ایرانی پیدا کرد. در کنار یارانی چون استاد علی کریمی -زاویه- مقیمی. محضر استادان زبده عصر خود را ترک کرد و از رمز و راز کار توش و توان راه بی‌پایان هنر برگرفت، تا بتواند نقش هرآنچه زیبایی در طبیعت است را بر بوم بنشانند. دل‌بستگی استاد به طبیعت تا بدان میزان بود که الطافی را بر آن دارد تا قلم را در دشت پرگل و پرنده و بسته به چرخش درآورد و توسن خیال را در پیچ و تاب نقش گل و مرغ سردهد. به سبب همین کار و تلاش عاشقانه، استاد هنرمندی صاحب عیار در ساخت و ساز گل و پرنده گردید و حکایت قلم توانا با رنگهای پخته او بر سر زبانها افتاد. الطافی در سال ۱۳۱۹ با درجه لیسانس دوره هنرهای زیبا را به پایان رسانید و از آن پس با پشتکاری وصف‌ناپذیر به هنرنمایی در عرصه مینیاتور و گل و پرنده مشغول شد.

استاد الطافی در کار آموختن هنرش به طالبان، سری پرشور داشت. به همین انگیزه و به سبب تبحرش در تعلیم. کار آموزش دادن نگارگری را در هنرستان‌های عالی تهران آغاز نمود. الطافی در طول دوران نقش آفرینی خود مینیاتورهای بسیار زیبا و ظریف و ارزشمند به یادگار گذاشت که بخشی از آنها هم اکنون در موزه هنرهای ملی نگهداری می‌شود.

الطافی در آفرینش آثار، گاه و بیگاه به یاد هنرمندان بزرگ عهد صفوی به نمونه‌سازی از شاهکارهای آنان می‌پرداخت. مینیاتورهایی که به سبک صفوی در این مسیر آفریده، هم سنگ با اصل آنها از حیث طرح -رنگ و فضاسازی است. تسلط و چیره‌گی فوق‌العاده الطافی در نقاشی «گل و مرغ» از او استادی صاحب‌نام در این رشته ساخته است. آثار او در زمینه گل و پرنده نشانگر

مقام و مرتبه عالی او در گل و بته و پرنده‌سازی می‌باشد. الطافی انسانی شایسته در اخلاق و حسن سلوک با نزدیکان و دوستان بود. مردی صاحب اندیشه که سفر را به انگیزه دیدار از طبیعت و مناظر زیبایش، عاشقانه دوست می‌داشت. هنرمندی بی‌ادعا و صادق، گریزان از توصیف و تشویق دیگران. بی‌نیاز از نام و آوازه که در خلوت خویش نقش آفرید. نقش باغهای گل و مرغ، پرده‌های دلنشین مینیاتور.

سرانجام در سال ۱۳۵۸ استاد حسین الطافی نگارگر نقش آفرین آن همه نقش و نگار، از پس بیماری قلبی، جان به نقش آفرین هستی تسلیم کرد. یاد و نامش همیشه ماندگار باد.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی